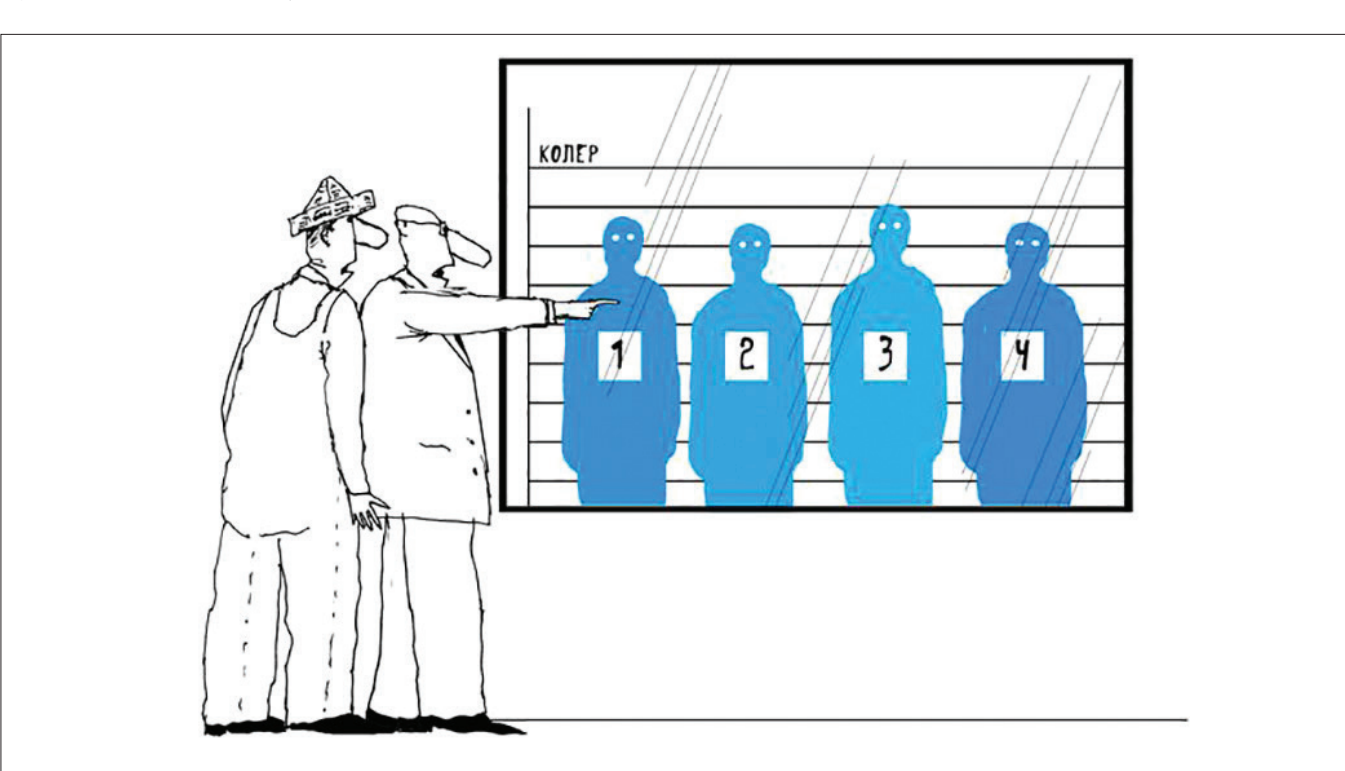




یادداشت‌های شهر شلوغ

نباید با خالی کردن پشت دولت، خسارت را دوچندان کرد

[شهروند] اینکه با رفتن همتی و ظریف چه بر سر اقتصاد و به روایتی سیاست خارجی دولت می‌آید ازجمله مباحثی است که همزمانی‌شان، هم مردم را مضطرب و پرسشگر کرده و هم کارشناسان را با شوک‌های تحلیلی مواجه کرده است. البته باید دید نقش افراد در تصمیم‌سازی‌ها چگونه بوده است و تا چه حد حذف این افراد منجر به ضایعه و بحرانی فراتر از وضعیت موجود می‌شود. هر چند رئیس جمهوری همچنان می‌تواند از مشاوره و نظر بازوان اجرایی‌اش که حالا به مدد سایر قوا حذف شده‌اند بهره گیرد.

لزوم‌پشتیبانی از دولت چهاردهم

عکس‌العمل‌ها به استيضاح و استعفاى همزمان زیاد بود. محمدجواد آذری جهرمی، وزیر پیشین ارتباطات، با انتشارمتنی در کانال تلگرامی خودضمن اشاره به برکناری وزیر اقتصاد، بر لزوم پشتیبانی از دولت چهاردهم تأکیدکرد.

او در این زمینه نوشت: تعهد دولت به مردم، ناظر بر تحقق اهداف است، نه صرفاً حضور افراد؛ هرچند بدیهی است که دستیابی به برخی اهداف، وابسته به حضور افراد توانمند است. اگر به‌دلیل شرایط داخلی یا خارجی دولت، از حضور افراد شایسته در دولت جلوگیری شود، این خودضایعه‌ای بزرگ خواهد بود؛ اما در چنین شرایطی، نباید با خالی کردن پشت دولت، این خسارت را دوچندان کرد.

در این وضعیت، مسئولیت دولت بیش از پیش سنگین‌تر خواهد شد. تلاش مضاعف برای حل مشکلات مردم و تقویت همبستگی ملی و وفای با ملت، راهکار اساسی برای عبور از شرایط پیچیده کنونی است و انتظار می‌رود در این زمینه، اهتمامی جدی صورت گیرد.

دستی‌دستی خودمان را بدبخت کردیم!

از سوی دیگر حمید رسایی، نماینده تهران، با انتشار متنی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس به استعفاى محمدجواد ظریف، معاون راهبردی رئیس‌جمهور، واکنش نشان داد.

او در این زمینه نوشت: دیدید چه خاکی به سرمون شد! حالا که جناب ظریف عزل شد، چه‌کسی باید پاسخ توییت‌های ترامپ روتوی این چهار سال بد؟ دستی‌دستی خودمون رو بدبخت کردیم!

افراد دیگری هم هستند که باید برکنار شوند!

همچنین امیرحسین ثابتی نماینده تهران در کانال تلگرامی خود در واکنش به استعفاى محمدجواد ظریف نوشت: پس از چند ماه یگیری و تذکرات بی در پی نمایندگان خطاب به سران سه قوه، محمدجواد ظریف، معاون غیرقانونی رئیس‌جمهور، مجبور شد از سمت خود استعفا دهد.

البته هنوز چند مسئول دیگر نیز در دولت حضور دارند که آنها نیز با باید تابعیت دوم فرزندان‌شان را لغو کنند و یا از سمت خود برکنار شوند. همچنان اجرای کامل این قانون را در مجلس یبگیری خواهیم کرد؛ حاکمیت قانون باید از مسئولان و اقویا آغاز شود تا در مردم نیز پذیرش داشته‌باشد.

اقدامی لازم، اما ناکافی

کیهان هم در یادداشتی با عنوان

«استيضاح وزیر اقتصاد وامیدخانه‌تکانی

در دولت» نوشت: برخی عناصر تندرو با تعبیری مانند «پایان ماه عسل»، «پایان وفاق» و «مجلس ختم وفاق» (!) آقای پزشکيان را به رویکرد مقابله‌جویانه در برابر تصمیم نمایندگان مجلس دعوت کردند و حال آنکه رئیس‌جمهور می‌تواند با استقبال از رأی مجلس، آن را فرصتی برای تغییرریل اقتصادی دولت قرار دهد.

این روزنامه افزود: اگر وزارت اقتصاد، مسئول «تنظیم سیاست‌های اقتصادی و مالی کشور و ایجاد هماهنگی در امور مالی» است، بنابراین می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در سکنداری کابینه اقتصادی ایفا کند و استيضاح از این جهت، یک فرصت است. استيضاح، اقدامی لازم، اما ناکافی است؛ و کفایت و کمال کار، به این است که تغییر وزیر، به تغییر رویکرد اقتصادی دولت هم بینجامد.

وفاق یکطرفه

هم‌میهن اما نوشت: وفاق جاده یک‌طرفه‌ای نیست که آقای پزشکيان

آن را طی کند و تندروها از بیرون نظاره‌گر آن باشند. اگر آنان اخلاق داشتند که کار ایران به چنین مرحله‌ای نرسید. صریح باید گفت که خودروی اداره دولت نمی‌تواند همزمان چند راننده با اهداف و شیوه‌راندگی‌گوناگون داشته‌باشد. وفاق درون‌ساختاری یعنی حل همین مسئله تندروهای مجلس سیاست‌شان در استيضاح همتی وزیر اقتصاد از جهتی قابل فهم بود. ولی این کار عوارض خود را دارد، زیرا همچنان تناقضات موجود در داخل ساختار مدیریتی کشور، ادامه دارد و طبعاً پس از این تشدید نیز خواهد شد و کارایی دولت نیز کمتر خواهد شد.

وفاق سه‌رأس داشت؛ اول از همه ایجاد وفاق درون ساختار قدرت بود. شاید

سخت‌ترین مرحله وفاق نیز همین بود که دیروز سوت پایان آن به صدا درآمد.

برای فهم اینکه این استيضاح هدف خیرخواهانه نداشته و برای حل مسئله قیمت‌ارز نبود، کافی است که اقرار یکی از تندروهای استيضاح‌کننده را مرور کنیم که گفت: «معتقدم با استيضاح و رفتن همتی مشکلات بازار ارز در کشور حل نمی‌شود. این یک واقعیت است. باید بگویم ما هر واقع می‌خواهیم شخصیت عبدالناصر همتی را استيضاح کنیم.»

هنگامی که وفاق درون ساختار ایجاد نشود، وفاق با مردم و جهان بلاموضوع است؛ چون ساختار منسجمی وجود ندارد که بخواد چنین ایده‌ای را پیش ببرد و آن قدر درگیر مسائل داخلی خود هستند که امکان پرداختن به موضوعات فراتر از آن را نخواهند داشت. مهم‌تر اینکه

در چنین وضعی نیروهای متضاد درون ساختار بیش از هر چیز درصد خشی کردن نیروهای مقابل خود هستند و اصولاً

هیچ‌کاری پیش نخواهد رفت.

بنابراین، تا اطلاع ثانوی شعار وفاق به بایگانی سپرده می‌شود. چرا چنین شد؟ واقعیت این است که آقای پزشکيان انسان محترم و اخلاقی و پاک‌دستی است و مهم‌تر از همه اینکه آن اندازه در بند قدرت نیست که بخواد به هر قیمتی در مسند آن بماند. اینها نقطه قوت اوست. ولی مشکل اینجا ست که میان «سیاست اخلاقی» با «اخلاق سیاست» تمایز نمی‌گذارد.

اخلاق سیاسی در اصل مبتنی بر قدرت است و تعارفات معمول میان افراد کاربرد چندانی در سیاست ندارد. شاید به همین دلیل بود که کاردار به استخوان آقای پزشکيان هم رساندند و مجبور شد گوشه‌ای از مشکلات را بگوید. رفتاری که بیشتر از انجام آن برهیز می‌کرد. وفاق همانگونه که از ریشه لغوی آن می‌توان فهمید، همراهی با یکدیگر است. ولی آقای پزشکيان به تنهایی با تندروها همکاری و همراهی کردند؛ به این امید که آنان نیز به منافع ملت ملتزم شوند و در راه صحیح‌گام بگذارند. غافل از اینکه چنین رفتارهایی نه تنها مانع از شکل‌گیری وفاق می‌شود، بلکه طرف مقابل را جری‌تر هم می‌کند و چندگام بیشتر در جهت سلطه و تک‌روی برمی‌دارد.

وفاق جاده یک‌طرفه‌ای نیست که آقای پزشکيان آن را طی کند و تندروها از بیرون نظاره‌گر آن باشند. اگر آنان اخلاق داشتند که کار ایران به چنین مرحله‌ای نرسید. صریح باید گفت که خودروی اداره دولت نمی‌تواند همزمان چند راننده با اهداف و شیوه‌راندنگی‌گوناگون داشته باشد. وفاق درون ساختاری یعنی حل همین مسئله که همیشه گریبانگیر کشور و کشور بوده است. این مشکل به‌صورت دیگری و در ابعاد مهم‌تری هم مطرح است که متأسفانه از کنار آن رد می‌شوند و بحث و گفت‌وگونی‌کنند.

بعد از استيضاح همتی، افراد توانمند حاضر نیستند مسئولیت وزارت اقتصاد را برعهده بگیرند

روزنامه ایران هم به نقل از یک کارشناس اقتصادی نوشت: «نگرانی‌ام این است که اکنون دولت یکی از مهم‌ترین فرماندهان اقتصادی خود را از دست داد و متأسفانه این وزارتخانه بسیار بسیار کلیدی تقریباً سه‌ماه با تکلیف خواهد بود و حتی پس از این سه ماه نیز به‌نظم فرد معتبری حاضر نخواهد شد که مسئولیت وزارت اقتصاد را در این شرایط پیچیده اقتصادی برعهده بگیرد و رئیس‌جمهور ناچار خواهد شد که گزینه‌ها را تقلیل داده و به افراد معمولی روی بیاورد که این شرایط را واقع‌ابرای ماسخت خواهد کرد.»

وحید شقاقی شهری، کارشناس اقتصادی، درخصوص تبعات استيضاح وزیر اقتصاد می‌گوید: «کشورمان درگیر یک جنگ پیچیده اقتصادی است؛ در

اگر مجلس فعلی نه

حاصل نظارت استصوابی و

مشارکت پایین که نماینده

اکثریت مردم ایران بود، اگر

شرایط کشور یغرنج نبود،

اگر همه مسئولیت اقتصاد

و معیشت در اختیار وزیر

اقتصاد بود و اگر شوراهای

عالی به موازات مجلس

و به اسم سیاستگذاری

قانونگذاری نمی‌کردند

و اگر وزیر می‌توانست

واقعیت‌های اقتصاد را

بگوید و توضیح دهد که

گرفتار شدن ملت ایران

در جنبه قاجاق و کاسبان

تحریم و رانت‌خواران یعنی

چه، آنگاه می‌شد از رأی

موافق به استيضاح وزیر

اقتصاد استقبال کرد.

همین حالا هم البته سه

وجه مثبت دارد: اول اینکه

رئیس‌جمهوری صریح‌تر

و به‌هوش‌تر می‌شود و

می‌داند ابزار وفاق کافی

نیست و دوم اینکه وزیر

بعدی هم از این تجربه

بهره می‌برد و می‌داند قرار

نیست فرش قرمز زیر پای

او بگیرند و سوم اینکه

وزیران دیگر نیز درمی‌یابند

تا چه اندازه در معرض

سلب رأی اعتمادند

بود چه با رئیس‌کل بانک مرکزی نمی‌رسد

سراغ وزیر اقتصاد می‌روند و هر چه بگوید

عوامل دیگر دخیل و مؤثر است افاقه

نمی‌کند.

به هر رو، انتظار محاسبه کسانی که

تصور می‌کردند عبدالناصر همتی وزیر

اقتصاد دولت مسعود پزشکيان در اسفند

۱۴۰۳ مانند عطاءالله مهاجرانی وزیر فرهنگ

و ارشاد دولت سیدمحمد خاتمی در

اردیبهشت ۱۳۷۸ جان به سلامت به در

می‌برد درست درنیامد و او به سرنوشت

عبدالله نوری در استيضاح خرداد ۱۳۷۷

دچار آمد.

نمایندگان منتسب به جبهه پایداری

که برای ریاست مجلس خیز برداشته بودند

و ناگهان خود را در مقابل تحولاتی، چون

سقوط بالگرد ابراهیم رئیسی و شکست

سعید جلیلی و وضعیت جنگی و بازگشت

دونالد ترامپ دیدند حالا با برکناری همتی

می‌توانند احساس کنند دوباره سامانی

به‌خود داده‌اند و شاید برخی در بیرون و از

هوداران در دل یا علناً بگویند انتقام گرفتیم

هم به‌خاطر مواضع همتی در انتخابات

۱۴۰۰ هم بعد از آن در سه سال دولت رئیسی.

با این همه باید دید مسعود پزشکيان

وفاق را با تعریف می‌کند یا همچنان به

شیوه فعلی ادامه می‌دهد تا آنان سراغ ۴

وزیر دیگر بروند یا نروند.

اگر مجلس فعلی نه حاصل نظارت

استصوابی و مشارکت پایین که نماینده

اکثریت مردم ایران بود، اگر شرایط کشور

یغرنج نبود، اگر همه مسئولیت اقتصاد و

معیشت در اختیار وزیر اقتصاد بود و اگر

شوراهای عالی به موازات مجلس و به اسم

سیاستگذاری قانونگذاری نمی‌کردند و اگر

وزیر می‌توانست واقعیت‌های اقتصاد را

بگوید و توضیح دهد که گرفتار شدن ملت

ایران در جنبه قاجاق و کاسبان تحریم و

رانت‌خواران یعنی چه، آنگاه می‌شد از رأی

موافق به استيضاح وزیر اقتصاد استقبال

کرد. همین حالا هم البته سه وجه مثبت

دارد: اول اینکه رئیس‌جمهوری صریح‌تر

و به‌هوش‌تر می‌شود و می‌داند ابزار وفاق

کافی نیست و دوم اینکه وزیر بعدی هم از

این تجربه بهره می‌برد و می‌داند قرار نیست

فرش قرمز زیر پای او بگیرند و سوم اینکه

وزیران دیگر نیز درمی‌یابند تا چه اندازه در

معرض سلب رأی اعتمادند.

بامزه اینکه همتی می‌رود و فرزین

رئیس‌کل بانک مرکزی می‌ماند و البته در

حق او وفاقت کرد و نگفت رئیس‌کل بانک

مرکزی همان رئیس‌کل دوران رئیسی است

و او هم سرنوشت خود را جدا نکرد و از وزیر

دفاع کرد تا احتمال تغییر او در دوران وزارت

بعدی قابل تصور باشد.

یک پیام دیگر هم قابل دریافت است

و آن هم اینکه اقتصاد و معیشت قابل

مماشات نیست و هم‌وغم همه باید متوجه

آن باشد و وقتی چنین است اشتغال به

امور دیگر تئمری ندارد و رئیس‌جمهوری

باید همه را به سود این بخش بسیج کند

ولو مستلزم برخی سایش‌ها و اصطکاکات

باشد چرا که در نهایت قرار است گریبان او

را بگیرند و کاسه کوزه‌ها را بر سر وزیر اقتصاد

بشکنند.

جدای نتیجه استيضاح و آنچه رد و بدل

شد به‌نظر می‌رسید لحن رئیس‌جمهوری

صریح‌تر شده است و شاید همین

مهم‌ترین دستاورد این نشست باشد.

دور خداد نام ربط اما همزمان

سایت الف اما به یک شبهه پاسخ داد.

این سایت نوشت: نزدیکی زمانی استعفاى

ظریف و استيضاح همتی، برخی را به این

نتیجه‌گیری سوق داده است که این دو

رویداد بخشی از یک استراتژی هماهنگ

قوه مقننه و قوه قضاییه برای تضعیف

دولت پزشکيان است. این تحلیل‌گران

معتقدند که این اتفاقات نشانه پایان «وفاق

ملی» است که از زمان روی کار آمدن دولت

چهاردهم تبلیغ می‌شد، اما این دیدگاه با

شواهد موجود همخوانی ندارد؛

نخست، استيضاح همتی و استعفاى

ظریف ریشه در مسائل متفاوتی دارند.

استيضاح همتی به‌دلائل اقتصادی و

عملکردی او صورت گرفت. درحالی‌که

استعفاى ظریف نتیجه فشار حقوقی و

قانونی بود که از ماه‌ها پیش مطرح شده

بود.

دوم، قوه قضاییه در مورد ظریف موضعی

فراتر از یک فرد خاص اتخاذ کرده و اعلام

کرده که در حال بررسی موارد مشابه است،

که نشان می‌دهد این اقدام بخشی از یک

سیاست کلان‌تر است، نه صرفاً واکنشی به

وضعیت دولت.

سوم، دولت پزشکيان خود در این ماجرا نقشی فعال داشته است؛ اگر دغدغه حفظ ظریف را داشت، می‌توانست با ارائه لایحه‌ای دقیق‌تر و تفکیک تابعیت‌های قهری و غیرقهری، این چالش را پیش‌تر حل‌کند.

لایحه اصلاحی که دولت پیش‌تر به مجلس ارائه کرده بود، به‌دلیل عدم دقت در تفکیک انواع تابعیت و شائبه اینکه صرفاً برای ابقای ظریف طراحی شده است، با مخالفت نمایندگان مواجه شد. این نشان می‌دهد که دولت در مواجهه با این مسئله، اشراف کاملی نداشت و نتوانست اجماع لازم را ایجاد کند. در نتیجه، استعفاى ظریف را نمی‌توان به‌عنوان یک تقابل مستقیم قوه قضاییه با دولت تفسیر کرد، بلکه نتیجه طبیعی فشارهای قانونی و ضعف رویکرد دولت در این زمینه بود.

عبدالناصر همتی رکورد سریع‌ترین استيضاح یک دولت راشکست

روزنامه فرهیختگان به سراغ تاریخچه

و آمار و ارقام استيضاح‌ها رفته و نوشت:

استيضاح عبدالناصر همتی، وزیر اقتصاد

دولت چهاردهم آن هم به فاصله ۶ ماه و

۱۲ روز سریع‌ترین استيضاح از زمان آغاز

به‌کار یک دولت بوده است؛ اما سریع‌ترین

استيضاح از زمان مسئولیت گرفتن یک

دولت نبوده است.

رکورد بخش دوم در اختیار علی‌کردان

است. او ۱۴ آبان ۸۷ یعنی یک روز کمتر از

تکمیل سه‌ماه مسئولیتش در وزارت کشور

دولت نهم توسط مجلس استيضاح شد.

از حیث سریع‌ترین استيضاح بعد از

آغاز به‌کار یک دولت نیز پس از عبدالناصر

همتی در دولت چهاردهم، عبدالله

نوری، وزیر کشور دولت هفتم و رضا

فرجی‌دانا، وزیر علوم دولت یازدهم به‌طور

مشترک در جایگاه دوم قرار دارند و هر

دو درحالی‌که تنها ۱۰ ماه از زمان آغاز به‌کار

دولت متبوع‌شان می‌گذشت از کسب رأی

اعتماد مجدداً نمایندگان بازماندند و کرسی

مسئولیت را بدردگفتند.

به بهانه استضاح همتی مروری

داشته‌ایم بر اسامی نخستین وزیران هر

دولت که مورد استيضاح مجلس قرار

گرفتند و برکنار شدند.

دولت پنجم(هاشمی‌رفسنجانی)

ایرج‌فاضل، وزیر بهداشت

بعد از یک سال و چهارماه مسئولیت در

دولت پنجم

یک سال و چهارماه بعد از آغاز دولت

پنجم

دولت هفتم(محمدخاتمی)

عبدالله‌نوری، وزیر کشور

بعد از ۱۰ ماه مسئولیت در دولت هفتم

۱۰ ماه بعد از آغاز به‌کار در دولت هفتم

دولت هشتم(محمدخاتمی)

احمد خرم، وزیر راه و ترابری

بعد از سه سال و دو ماه مسئولیت در

دولت هشتم

سه سال و دو ماه بعد از آغاز به‌کار دولت

نهم

دولت دهم(محمود احمدی‌نژاد)

حمید بهبهانی، وزیر راه و ترابری

بعد از دو سال و ۶ ماه مسئولیت در

دولت‌های نهم و دهم

یک سال و ۶ ماه بعد از آغاز به‌کار دولت

دهم

دولت یازدهم(حسن روحانی)

رضافرخی‌دانا، وزیر علوم

بعد از ۱۰ ماه مسئولیت در دولت یازدهم

۱۰ ماه بعد از آغاز به‌کار در دولت یازدهم

دولت دوازدهم(حسن روحانی)

علی‌ریبیعی، وزیر کار